سبک کار و شغل

در حال حاضر در خصوص عدالت استخدامی بین حرف و عمل فاصله زیادی وجود دارد و در عمل شاهد اجرایی شدن عدالت موردنظر در شیوه‌های گزینش و به کارگیری افراد در مشاغل و پست‌های گوناگون نیستیم و به صراحت می‌توان گفت سیاست‌های اداری و استخدامی ما مبتنی بر شایسته سالاری نبوده و مهارت و تخصص قربانی زد و بندهای ارتباطی و سلیقه‌ای می‌شود

رضا دهستیری | جوان

### اشتغال در مثلث قانون، شعار و عمل

# داشتن شغل مناسب حق من و شماست

**زهرا هنربخش***

**یکی از حقوق مهم و اساسی افراد در زندگی اجتماعی حق اشتغال است که در اسناد گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. براساس این حقوق، وظیفه دولت‌هاست شرایطی را به وجود آورند تا برای همه افراد که جویای کار می‌باشند، فرصت اشتغال برای آنها در نظر گرفته شود. از نگاه هنجارهای موجود در اسناد بین‌المللی وجود برخی از ویژگی‌ها در دستیابی به شغل مورد نظر لازم است که یکی از آنها، داشتن آزادی در انتخاب شغل می‌باشد؛ بر همین اساس می‌توان گفت اگر شخصی مجبور به اشتغال در کاری شود، حق او در دستیابی به اشتغال اعمال نشده است، اما باید در نظر داشت که منظور از انتخاب آزادانه شغل مفهومی فراتر از منع کار اجباری می‌باشد و یکسری تعهدات را بر عهده دولت‌ها می‌گذارد.**

## حق کار و شغل در منشور حقوق شهروندی

۱

کار شایسته یعنی فرصت دستیابی به کار مولد در شرایط آزادی، امنیت، برابری و شرافت انسانی! به‌کارگیری کارکنان، ارتقا و اعطای امتیازات به آنان باید براساس توانایی و شایستگی‌های فرد، تخصص و مهارت‌های لازم و متناسب با آن شغل باشد و رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی و تبعیض‌آمیز به همراه استفاده از شیوه‌های ناقض حریم خصوصی در فرآیند گزینش ممنوع است و نباید مانع استخدام افراد شود.

منشور حقوق شهروندی از جمله مهم‌ترین حقوق شهروندان یک کشور می‌باشد؛ در این منشور از ماده ۷۷ تا ماده ۸۴ به شرح ذیل به موضوع اشتغال و کار اختصاص یافته است:

ماده ۷۷ - حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ‌کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی یا اختلاف‌نظر در گرایش‌های سیاسی یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند.

ماده ۷۸ - شهروندان از حق فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزادانه حرفه موردنظر خود طبق موازین قانونی به‌گونه‌ای که قادر به تأمین معاش خود به‌صورت منصفانه و آبرومندانه باشند، برخوردارند. دولت شرایط مناسب را برای تحقق این حق تضمین و بر آن نظارت می‌نماید.

ماده ۷۹ - حق شهروندان است که از آموزش‌های لازم درباره مشاغل بهره‌مند شوند.

ماده ۸۰ - حق شهروندان است که از بهداشت محیطی و کاری سالم و ایمن و تدابیر ضروری برای پیشگیری از آسیب‌های جسمی و روحی در محیط‌های کار بهره‌مند باشند.

ماده ۸۱ - شهروندان از حیث نقض قوانین و مقررات کار، حق دادخواهی در برابر مراجع قانونی را دارند.

ماده ۸۲ - به‌کارگیری، ارتقا و اعطای امتیازات به کارکنان باید مبتنی بر تخصص، شایستگی و توانمندی‌های متناسب با شغل باشد و رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی و تبعیض‌آمیز و استفاده از روش‌های ناقض حریم خصوصی در فرآیند گزینش ممنوع است.

ماده ۸۳ - حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.

ماده ۸۴ - اشتغال اجباری کودکان به کار ممنوع است. موارد استثنا که در جهت منافع و مصالح آنان باشد صرفاً به حکم قانون مجاز می‌باشد.

## قانون مشاغل سخت و زیان‌آور

۲

در رابطه با مشاغل سخت و زیان‌آور برای افراد می‌توان گفت: مطابق با ماده واحده قانون «نحوه بازنشستگی جانبازان، معلولان و شاغلان مشاغل سخت و زیان‌آور» و همچنین آیین‌نامه اجرایی آن، تشخیص چگونگی مشاغل کارکنان دولت و سخت و زیان‌آور بودن آن برعهده شورای امور اداری و استخدامی کشور است که بعد از تأییدیه شورا، به هیئت دولت جهت تصویب و تأیید نهایی ارجاع داده می‌شود. کارگرانی که مشمول قانون کار هستند نیز طبق تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی از مزایای اشتغال در کارهای سخت و زیان‌آور برخوردار می‌شوند؛ با این شیوه که پس از اعلام تأیید و بررسی و احراز سخت و زیان‌آور بودن شغل از سوی کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر استانی تطبیق این مشاغل سخت با بررسی، اندازه‌گیری و سنجش میزان آلایندگی محیط کار برای کارگران انجام می‌شود؛ زمانی که سازمان تأمین اجتماعی، اشتغال شخص کارگر در امور ادعایی و مورد تأیید کمیته تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور را تأیید نماید، کارگران می‌توانند با پرداخت ۴ درصد حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور از سوی کارفرما، از مزایای اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور استفاده کنند؛ همچنین مطابق تبصره الحاقی به ماده ۱۴ قانون کار و استفساریه آن، باید ایام حضور داوطلبانه و خدمت وظیفه در جبهه افراد نیز به عنوان سابقه اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور منظور گردد. در تاریخ ۱۳۸۰/۷/۱۴ با تصویب قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی قانون تأمین اجتماعی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام که به «قانون بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان‌آور موسوم است؛ علاوه بر تعریف دوباره از مشاغل زیان‌آور، ساز و کارهای اجرایی تطبیق و تعیین مشاغل سخت و زیان‌آور پیش‌بینی شده و به مرحله اجرا درآمد و مشاغل سخت و زیان‌آور را بدین شرح تعریف کرده است: «کارهای سخت و زیان‌آور کارهایی است که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیراستاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر، تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در وی ایجاد گردد که نتیجه آن، بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن بوده و بتوان با به‌کارگیری تمهیدات فنی، مهندسی، بهداشتی، ایمنی و غیره، صفت سخت و زیان‌آور بودن را از آن مشاغل کاهش یا حذف کرد.»

## فاصله عمیق حرف تا عمل در عدالت استخدامی

۳

در حال حاضر در خصوص عدالت استخدامی بین حرف و عمل فاصله زیادی وجود دارد و در عمل شاهد اجرایی شدن عدالت موردنظر در شیوه‌های گزینش و به کارگیری افراد در مشاغل و پست‌های گوناگون نیستیم و به صراحت می‌توان گفت سیاست‌های اداری و استخدامی ما مبتنی بر شایسته سالاری نبوده و مهارت و تخصص قربانی زد و بندهای ارتباطی و سلیقه‌ای می‌شود؛ در گفتار مسئولان آورده می‌شود که «استخدام در دولت بر مبنای رعایت عدالت استخدامی برای همه داوطلبان صرفاً از طریق برگزاری آزمون استخدامی و سنجش و گزینش مخاطبان انجام می‌گیرد و نخبگان به دلیل توانایی هایی که دارند فرصت بهتر و بیشتری برای استخدام پیدا می‌کنند»، اما تبدیل وضعیت‌ها و نیز جذب‌های بی‌ضابطه و سلیقه‌ای با صدور مجوز سازمان امور اداری و استخدامی در حال حاضر مشاهده می‌شود، بنابراین سازمان امور استخدامی به رغم ادعاهای خود، یکی از متهمان اصلی جذب‌های غیرقانونی است. آرای هیئت عمومی دیوان در خصوص شیوه‌های جذب به خصوص در این چند سال اخیر مبین این موضوع است، زیرا جوانان بعد از اتمام تحصیل، با امید فراوان در انتظار انتشار آگهی‌های جذب و استخدام دستگاه‌های اجرایی هستند، اما در عمل چیز زیادی دست‌گیر آنها نمی‌شود.

۴) شانه خالی کردن مسئولان از مسئولیت ایجاد شغل

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً در اصل سوم بیان شده است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.»

همچنین در اصل ۲۸ نیز آمده است: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.»

به طور کلی باید گفت، همه افراد اعم از زن و مرد، به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند، اما در کشور ما واقعیت بیکاری و درد مردم و جوانان سبب‌شده تا در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، فشار مسئولیت‌های اقتصادی به تنهایی بر دوش پدر خانواده باشد؛ اگر فردا روزی پدر خانواده به هر علتی نتواند کار کند یا خدای نخواسته از دنیا برود، خانواده دچار مشکلات بسیاری می‌شود که کمترین آن، دریافت نکردن حمایت‌های جدی مالی و مؤثر از طرف دولت و قانون است.

مسئولان باید قبول کنند که نمی‌توانند از مسئولیت تولید شغل برای جوانان بیکار جامعه و با ترفندها و تعابیر گوناگون شانه خالی کنند. اگر مشکل اشتغال جوانان در جامعه، با امنیت نسبی و اختصاص سرمایه یا حتی ایجاد کسب‌وکارهای کوچک توسط خود جوانان و اعضای خانواده حل می‌شد، امروز شاهد مشکلات و آسیب‌های جدی و بزرگ که نتیجه سال‌ها بی‌توجهی، برنامه ریزی‌های اشتباه و نداشتن اجرای تخصصی و کارشناسی نشده قوانین است، نبودیم.

باید به بیکاری جوانان و اشتغال آنها به صورت قانونی و اصولی بنگریم تا راهکاری صحیح و اجرایی برای حل مشکلات بیابیم.

***کارشناس ارشد حقوق**

راهنما

### کار و اشتغال در کلام مقام معظم رهبری

# ایجاد شغل برای مردم مصداق گره‌گشایی علوی است

**۱) در زمینه اقتصاد فعالیت‌های زیادی شده و باارزش هم هست؛ اما مسئله اشتغال، تورم، فرهنگ کار و ساعات مفید کار حل نشده است. فرهنگ کار باید در کشور یک طوری باشد که مردم کار را عبادت بدانند؛ هر یک ساعت کار را با شوق بیفزایند در مدت و مقدار کاری که انجام می‌دهند. باید کار کرد، با بیکاری و بی‌میلی به کار و تنبلی و وادادگی، کشور پیش نخواهد رفت.**

۲) اگر ملتی دارای وجدان کار باشد، محصول کار او خوب خواهد شد.

۳) هر کس و در هر کجا که هستیم، وجدان کار را در کاری که به گردن گرفتیم و تعهد کردیم، رعایت کنیم.

۴) تعاون در کشور ما می‌تواند سرانگشت گره‌گشایی باشد.

۵) به نظر من، یکی از راه‌حل‌ها و اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در این کشور برای استقرار عدالت انجام بگیرد، «تعاون» است.

۶) هر ملتی، هر جامعه‌ای هرچه کار بکنید، نیروی کارتان بیشتر می‌شود. هرچه تحرک انسان داشته باشد، نشاط حرکتش بیشتر می‌شود. این خب، مال کار است که در اسلام درباره کار این همه حرف هست.

۷) ایران بزرگ امروز بیش از هر زمان دیگر به کار و کارآفرینی نیاز دارد تا همچون عقابی تیز پرواز، در فضای پیشرفت و آبادانی و افتخار اوج گیرد.

۸) دو دلیل اساسی یعنی «آمادگی کشور برای جهش» و «فشار اقتصادی دشمنان»، ثابت می‌کند که ایران، بیش از هر دوره دیگر به کار و کارآفرینی احتیاج دارد.

۹) امروز مسئله اشتغال در کشور ما یک مسئله بسیار مهم و اساسی است و اگر برنامه‌ریزی خوب و کارآمد و عمل جدی دنبال این عنوان وجود داشته باشد، به وضوح مشکلات به‌تدریج کاهش پیدا خواهد کرد.

۱۰) پرداختن به مسئله اشتغال و فعالیت تولیدی و مفید، وظیفه‌ای است که از معنا و مفهوم جمهوری اسلامی می‌جوشد.

۱۱) پرداختن به مسئله اشتغال یکی از مهم‌ترین گره گشایی‌ها در کار مردم است و گره‌گشایی، سیره علوی است.

۱۲) تا می‌توانید و فرصت هست کار کنید؛ فرصت‌ها محدود است. ما اشخاص رو به زوالی هستیم، فرصت محدودی داریم، تا میتوانیم، تا هستیم، کار کنیم. نگویید نمی‌گذارند؛ این نمی‌گذارند حرف قابل پذیرشی نیست. خیلی‌ها هم می‌گفتند، قبلاً هم می‌گفتند، حالا هم بعضی‌ها می‌گویند نمی‌گذارند؛ نمی‌گذارند یعنی چه؟ شما چه در مجلس، چه در دولت، چه در قوه‌قضائیه، چه در نیروهای مسلح، چه در بخش‌های گوناگون مربوط به دولت، توانایی‌هایی دارید، امکاناتی در اختیار دارید، از این امکانات استفاده کنید تا می‌توانید کار کنید؛ نگذارید لحظه‌ای بیکار بگذرد.

۱۳) محور همه سیاست‌های کلان اجرایی باید ایجاد اشتغال در کل کشور باشد. معنای اشتغال این است که جوان مستعد آماده به کار، فرصت تلاش و فعالیت به دست بیاورد تا هم نیاز شخصی خود را از این راه برطرف و هم به پیشرفت و آبادانی کشور و رونق اقتصادی آن کمک کند

۱۴) خیال نکنید بدون عشق و ایمان می‌شود کاری کرد! این روح را تقویت کنید.

۱۵) در محیط کار، سعی کنید از همه توان، استعداد و ابتکار خودتان استفاده کنید.

۱۶) نگذارید ساعتی از ساعات کار شما، به بطالت یا به کم کاری بگذرد.

نگاه

### انقلاب دیجیتال، سرمایه‌داری نظارتی و ماده خامی به نام انسان

# حالا، من و تو هم تبدیل شده‌ایم به کالا!

**تلخیص: حسین گل محمدی**

**شوشانا زوبوف، استاد برجسته هاروارد در کتاب «عصر سرمایه‌داری نظارتی» می‌گوید: سرمایه‌داری همواره با تبدیل چیزهای غیرقابل خرید و فروش به کالا، بازارهای جدید خلق کرده است و حالا به آخرین چیزی که باقی مانده روی آورده: تبدیل جزئی‌ترین رفتارها و احساسات روزمره ما به کالا.**

این کتاب شرح می‌دهد که شرکت‌های جهانی فناورانه‌ای مثل گوگل و فیسبوک چطور ما را ترغیب کردند که برای آسودگی بیشتر، از خیر حریم خصوصی‌مان بگذریم؛ اطلاعات شخصی‌ای («داده‌هایی») را که این شرکت‌ها جمع می‌کنند، دیگران به کار می‌گیرند تا نه تنها رفتار ما را پیش‌بینی کنند بلکه بر آن اثر بگذارند و اصلاحش کنند و این موضوع چه پیامدهای فاجعه‌باری برای دموکراسی و آزادی دارد. تعبیر «سرمایه‌داری نظارتی» در عنوان کتاب یعنی همین. زوبوف اینگونه تعریفش می‌کند: یک «نظم اقتصادی جدید» و «نقض حقوق حیاتی بشر که باید آن را کودتایی از بالا شمرد.»

این کتاب داستان انقلاب دیجیتال را می‌گوید و اینکه دورنماهای آرمان‌شهری اولیه چطور تیره و تار شدند تا «یک جهش سرکش سرمایه‌داری» رخ داد که «نشانه‌اش تمرکز بی‌سابقه ثروت، دانش و قدرت در تاریخ بشر» بود. جی‌میل در سال ۲۰۰۴ راه‌اندازی شد. گوگل بعداً اعتراف کرد که مکاتبات خصوصی را غربال می‌کرد تا اطلاعات شخصی را به دست بیاورد. در همان سال، فیسبوک تأسیس شد که الگوی کسب‌وکار آن هم براساس دسترسی به اطلاعات شخصی و ثبت و ضبط آنها بود. زوبوف از استعاره فتح استفاده می‌کند: «چون چیز زیادی نمانده بود که کالا نشده باشد، آخرین قلمرو بکر و دست‌نخورده تجربه‌های خصوصی بشر بود.» در سال ۱۹۸۶ حدود یک درصد از اطلاعات دنیا دیجیتال شد. این رقم در سال ۲۰۱۳ به ۹۸ درصد رسید.

بنیان این جنبش، الگوریتم‌های پیش‌بینی‌کننده و محاسبه ریاضیاتی رفتار انسان است. سرمایه‌داران نظارتی «اطمینان را به آن دسته از مشتریان خود می‌فروشند که مایلند با اطمینان بدانند ما چه می‌کنیم. تبلیغ‌های هدفمند هم هست، اما کاسبان می‌خواهند بدانند که رهن به ما بفروشند یا بیمه به چه قیمتی و آیا امن رانندگی می‌کنیم؟ می‌خواهند بدانند در یک مبادله حداکثر چقدر می‌توانند از ما دربیاورند. می‌خواهند بدانند چگونه رفتار خواهیم کرد تا بدانند بهترین راه مداخله در رفتارمان چیست.» پیش‌بینی‌هایتان در چه صورت مطلوب مشتریان خواهد بود؟ در صورتی که درست از آب در بیایند: «تنظیم، هدایت، شکل‌دهی و هُل دادن ما به سمتی که بیشترین احتمال موفقیت کسب‌وکارشان را رقم بزند.» به‌هیچ‌وجه نمی‌توان «اسمی جز اصلاح رفتاری روی این کار گذاشت.» در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، فیسبوک «آزمایش‌های کلان مقیاس سرایت» را انجام داد تا ببیند آیا می‌تواند «بر هیجانات و رفتار کاربران در دنیای واقعی به گونه‌ای اثر بگذارد که مسیر آگاهی آنها را دور بزند اما خودشان متوجه نشوند»؟

نقاط عطفی در زندگی جوامع و افراد وجود دارد. یک الهام در گالری. یک آتش‌سوزی خانمان‌برافکن و یک دفترچه یادداشت نجات‌یافته. زوبوف می‌گوید: اکنون در یکی دیگر از این نقاط عطف قرار داریم؛ «عصر سرمایه‌داری نظارتی، کشمکشی عظیم میان سرمایه‌داری در یک سو و تک‌تک ما در سوی دیگر است. این عصر، مداخله‌ای مستقیم در اراده ماست.» این پدیده دنبال ثبت و ضبط جزئیات بسیار خصوصی زندگی ماست، و حتی چهره‌هایمان. «آنها هیچ حقی بر چهره من ندارند که وقتی در خیابان قدم می‌زنم از آن عکس بگیرند.»

زوبوف می‌گوید این تعرض‌ها، آزادی‌مان را تهدید می‌کنند. «به اراده که فکر می‌کنیم، فلاسفه از پرکردن شکاف میان اکنون و آینده حرف می‌زنند. ما به خودمان وعده‌هایی می‌دهیم: در آن لحظه آتی فلان کار را خواهم کرد، مثلاً به جلسه‌ای می‌روم یا تماسی تلفنی می‌گیرم. اگر با ما مثل توده‌ای از کاربران برخورد شود که هدایت‌پذیر و قابل ترغیب هستند، این وعده‌ها بی‌معنا می‌شود. من یک انسان متمایزم. من یک بوته تمام‌نشدنی قدرت درون خودم دارم... من باید تصمیم بگیرم آیا چهره‌ام، خانه‌ام، ماشینم، صدایم به داده تبدیل شود یا خیر. این باید انتخاب من باشد.

زوبوف که سال ۱۹۵۱ در نیوانگلند به دنیا آمد، دختر پدری داروساز و مادری خانه‌دار است. پدربزرگ مادری‌اش، مکس میلر، کارآفرینی خودساخته بود که مکانیسم فرمان‌یاری دستگاه‌های فروش خودکار را اختراع کرد. زوبوف در دوران جوانی «مدت زیادی را در آرژانتین سپری کرد و در آلتیپلانو با مردمی روزگار می‌گذراند که زندگی‌های بسیار ساده‌ای داشتند.» او دلداده دنیای طبیعی است، چنانکه استعاره‌هایش اغلب به مزرعه‌داری و محیط روستایی گریز می‌زنند. زوبوف برایم می‌گوید که در آغاز انقلاب صنعتی، متقاعدکردن کشاورزان به کار در کارخانه مثل این بود که بخواهی به یک گوزن گاوآهن ببندی. چنان با آنها نامتناجس بود که حاضر به انجامش نبودند. «سپس، بعد از مدتی، گوزن گاوآهن را قبول کرد. بازه‌ای کوتاه وجود دارد و پس از آن، نسیان اجتماعی شکل می‌گیرد.»

درباره ادعاهای زاکربرگ چه می‌شود گفت: «حریم خصوصی دیگر یک هنجار اجتماعی نیست»؟ یا نصیحت اریک اشمیت (مدیرعامل گوگل از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱) که «اگر چیزی دارید که نمی‌خواهید هیچ‌کس بداند، شاید اصلاً نباید انجامش می‌دادید»؟ صدالبته زوبوف این حرف‌ها را هزاران بار شنیده است. نه‌تنها سرمایه‌داران نظارتی، بلکه حکومت‌های هوادار نظارت جمعی بر شهروندان هم اینها را تکرار کرده‌اند. او پاسخ‌تر و تمیزی می‌دهد: «من به مردم می‌گویم که اگر هیچ‌چیزی ندارید که بخواهید پنهان کنید، هیچ‌چیز نیستید. مسئله در اینجا فردیت هایکی یا فلسفه لیبرتارینی نیست؛ بلکه این یک فرآیند تاریخی تشخص‌یابی است که دست در دست آزادی سیاسی و دموکراسی پیش رفته است.» مسئله، جورج اورول و برادر بزرگ هم نیست. «قرار نیست کسی بیاید و شما را به گولاگ ببرد. نمی‌خواهند ما را بکشند. فقط می‌خواهند که ما در جهت پیش‌بینی‌هایشان حرکت کنیم و داده‌هایمان را بگیرند.» البته «در چین شاهدیم که تلاش می‌شود این فناوری‌ها به دولت سرکوبگر پیوند بخورند.»

زوبوف چرا اینقدر دلواپس است؟ می‌گوید: «طی سال‌های متمادی، از خیر وقت زیادی گذشتم تا این کتاب را بنویسم. وقتی که می‌شد با همسرم و فرزندانم بگذرانم. از خیر سلامتم هم گذشتم. هرچه داشتم پای این کار گذاشتم چون احساس می‌کردم عقربه‌های ساعت نسیان اجتماعی یا همان کرختی روانی، بی‌امان جلو می‌روند. بهت و حیرت مردم داشت رنگ می‌باخت.» بله، او هم قبول دارد که «اسنودن سهم عظیمی در بیدارکردن مردم داشت. شرکت‌های فناوری هم در آن کار دست داشتند.» اسنادی که درز کرد، نشان می‌داد آژانس امنیت ملی داده‌های یاهو، گوگل، فیسبوک و مایکروسافت را جمع می‌کرد. «در انگلستان، ایالات متحده و بسیاری کشورهای دیگر، دموکراسی به گوشه رینگ رانده شده است و عملیات‌های سرمایه‌داری نظارتی سهم عمده‌ای در این قضیه داشته‌اند.»

هربار که زوبوف سخنرانی عمومی دارد، از مخاطبان می‌پرسد: «چه دغدغه‌ای شما را به اینجا کشانده است؟» مردم هم کلماتی را فریاد می‌زنند: حریم‌خصوصی، ویران‌شهر، کنترل، انحصار، دست‌کاری، تعدی، استثمار، دموکراسی، گمراه‌سازی، ترس، آزادی، قدرت، شورش، برده‌داری، مقاومت. همه‌جا عملاً همین کلمات بیان می‌شوند. چه می‌شود کرد؟ مردم مخالفت می‌کنند، اما اتفاقی نمی‌افتد. آیا این وضع به رخوت نمی‌انجامد؟ او قاطعانه می‌گوید: «رگولاتوری» و توضیح می‌دهد: «شرکت‌های فناورانه از همین بیش از هر چیز می‌ترسند. ما می‌گوییم بازارهایی که آینده انسان در آن معامله می‌شود، غیرقانونی‌اند؛ مثل تجارت بردگان که غیرقانونی شد». «سرمایه‌داری نظارتی ۲۰ سال است که بدون هیچ مانعی پیش رفته است. ولی هنوز بسیار جوان است.»

**نقل از ترجمان / نوشته: جوانا کاونا**
**ترجمه: محمد معماریان / مرجع: گاردین**